

دشمن شناسی





مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات فراوان بر حضرت محمد و اهل بیت طاهرینش از ابتدای خلقت انسان در کره زمین جنگ بین حق و باطل شروع شده و تاکنون ادامه یافته و تا زمان حکومت امام زمان علیه السلام ادامه دارد.

اسلام از همان ابتدا با دشمنانی از کفار و مشرکین و یهود و نصارای و منافقین روبرو بوده که تاکنون با استقامت پیامبر و امامان معصوم و با مجاهدت مسلمانان، اسلام توانست ادامه باید و گسترش پیدا کند به طوری که الان مسلمانان حدود دویلیارد از جمعیت جهان و یک پنجم منابع نفتی و غیر نفتی را در اختیار دارند.

اما استکبار جهانی هر روز توطئه جدیدی علیه مسلمانان بکار می برد لذا لازم است همه ما با ماهیت دشمنانمان آشنا باشیم.

در این کتاب تلاش شده با استفاده از بیانات حضرت امام و رهبر عزیزمان در دشمن شناسی قدم هایی را برداریم. امید است مورد استفاده قرار گیرد.

زمستان 1401- کرمانشاه

دشمن شناسی یک ضرورت است:

دشمن را بشناسیم، حواسمان جمع باشد، «مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ»؛ (۱) اگر شما در سنگر، در مقابل دشمن خوابت ببرد، معنایش این نیست که دشمن هم خوابش برده؛ او ممکن است بیدار باشد؛ کما اینکه همین جور هم هست. هزاران نفر را میگذارند برای پیگیری مسائل گوناگون ایران؛ ما بایستی میلیون‌ها نفر آماده باشیم برای اینکه، هم دفاع کنیم، هم ضربه بزنیم؛ ما هم باید متقابلاً به آنها حمله کنیم؛ چه تبلیغاتی و چه انواع و اقسام کارهایی که از دست یک ملت انقلابی برمی آید

دچار غفلت نشویم؛ اگر غفلت کردیم، غارت خواهیم شد؛ اگر غفلت کردیم، شیخون به ما زده خواهد شد؛ غفلت نکنیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود – در نهج البلاغه است – وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّبُعِ تَنَامُ عَلَى طَوْلِ اللَّدْمِ؛ [۱] من مثل آن حیوانی نخواهم بود که معمولاً برای اینکه به خواب برود، یک آهنگی میخواند و او به خواب میرود؛ من خواب نخواهم رفت، بیدارم و میفهمم دُور و بَرَم چه میگذرد. از ما هم همین را خواسته‌اند. نباید به خواب برویم، نباید غفلت کنیم

در شناخت دشمن اشتباه نکنید. نگوئید که خب همه میدانیم؛ بله، شما میدانید که دشمن کیست؛ دشمن استکبار است، دشمن صهیونیسم است، دشمن آمریکا است؛ اینها را شما میدانید اما تلاش وسیعی دارد انجام میگیرد برای اینکه این قضیه را بعکس کنند، نظر مردم را عوض کنند، با شیوه‌های پیچیده‌ی تبلیغاتی؛ همه باید مراقب باشند؛ دشمن شناسی بسیار مهم است؛ یکی این؛

بعد، دانستن نقشه‌ی دشمن؛ دشمن چه کار دارد میکند، چه کار می‌خواهد بکند؛ و بعد، دانستن شیوه‌ی مقابله‌ی با نقشه‌ی دشمن؛ این را باید مردم ما بدانند

حساسیت در برابر دشمن. دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حساسیت داشته باشیم. آن کسانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه بودند میدانند که آنجا کسانی در قرارگاه‌ها بودند که به وسیله‌ی عوامل خودشان هر حرکت کوچک دشمن را دنبال میکردند، رویش حساس میشدند: فرض بفرمایید امروز دشمن این جابه‌جایی را انجام داده است؛ این برای چیست، چرا انجام داده است؛ علت‌یابی میکردند. حساس در مقابل حرکات دشمن. دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرفهای او، اظهارات او حساس باشیم؛ و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را خنثی بکنیم. این، حساسیت در مقابل دشمن است.....

دشمن یک جبهه است؛ دشمن یک فرد که نیست، یک دولت خاص که نیست، یک جبهه است؛ ما باید این جبهه را بشناسیم و بینیم چه کسی وابسته‌ی به این جبهه است و از کجا این جبهه، جوری حرکت میکند که میتواند ما را نسبت به خودش مشتبه کند. جبهه‌ی دشمن را بشناسیم، شیوه‌های دشمنی را هم بشناسیم؛ بدانیم [دشمن] چه جوری دشمنی میکند. گاهی هست که دشمن وارد میشود، یک کاری را شروع میکند به قصد یک هدف خباثت‌آمیز و ما درست نمیدانیم آن هدف چیست؛ ظاهر کار را نگاه میکنیم می‌بینیم کار خوبی است و از آن استقبال میکنیم؛ درحالی که او دارد آن هدف [خودش] را دنبال میکند. داشته‌ایم؛ از این قبیل در کشور داشته‌ایم و داریم مواردی را که آنها یک کاری را شروع کردند با یک هدفی، ما هم ظواهر کار را نگاه کردیم گفتیم عجب! خب اینکه کار خوبی است، اینکه اشکالی ندارد؛ درحالی که اگر بصیرت داشته باشیم، اگر اهداف دشمن را بشناسیم، این جوری گول نمیخوریم

دشمنان جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟

دشمن، امروز مشخصاً عبارت است از آمریکا، انگلیس، زرسالاران بین‌المللی، صهیونیست‌ها و دنباله‌هایشان؛ حالا دنباله‌هایشان خیلی اهمیتی ندارند، ارزشی ندارند که آدم اسم از آنها بیاورد؛ اصلی‌ها اینها هستند. آمریکا دشمن است با جمهوری اسلامی، با ایران مستقل، با ایران روبه‌جلو و پیش‌رونده؛ انگلیس که مستعمرِ پیر از کارافتاده‌ی دوره‌ی قبل است و حالا باز مجدداً به این منطقه می‌خواهد نفوذ کند، دشمن است؛ صهیونیست‌ها دشمنند؛ سرمایه‌داران بین‌المللی و زرسالاران .. بین‌المللی دشمنند؛ اینها دشمنهای اصلی [هستند]

علت دشمنی چیست؟

البته دشمنی در کشورها، بین دولتها، بین قدرتها چیز جدیدی نیست لکن در مورد جمهوری اسلامی چرا، این یک چیز ویژه است؛ دشمنی ویژه‌ای است. چرا؟ علت چیست؟ علت این است که جمهوری اسلامی یک پدیده‌ای است که در دنیا سابقه ندارد؛ این را قدرتهای جهانی دارند بادقت نگاه میکنند. اینکه شما احتمالاً خواندید یا شنفتید که مثلاً در چند سال قبل از این، در فلان کشور دشمن ما، یک موسسه‌ی تحقیقاتی مخصوص تحقیق بر روی اسلام و اسلام سیاسی تشکیل شد، این برای همین است که ببینند این پدیده چیست. یک نظامی به وجود آمده است بر پایه‌ی اسلام، بر پایه‌ی مبانی اسلامی که در این مبانی اسلامی ضدیت با استکبار هست، ضدیت با استبداد هست، ضدیت با ظلم هست، ضدیت با تبعیض هست، ضدیت با رباخواری هست، ضدیت با کارهایی که امروز قدرتها در دنیا میکنند هست. یک نظامی با این مبانی فکری و عملی به وجود آمده و این نظام روزبه‌روز دارد رشد پیدا میکند و هر کار کرده‌اند نتوانسته‌اند متوقفش بکنند؛ روزبه‌روز ریشه دوانده و نفوذش زیاد شده. حالا خود آنها داد میکشند که ایران در منطقه فاعل مطلق است و نفوذ ایران قابل قیاس با نفوذ هیچ کشور دیگری در منطقه نیست؛ این را آمریکایی‌ها میگویند

این انقلاب یک حرکت عظیمی بود برای اینکه وابستگی و عقب‌ماندگی را -این دو ذلت بزرگ را- به برکت اسلام و با راهنمایی و رهبری اسلام، از این ملت بزدايد؛ دو درد طولانی مزمن بود، اینها را

علاج بدهد؛ انقلاب برای این به وجود آمد و نظام جمهوری اسلامی بر این اساس تشکیل شد. خب، درست توجه کنید، وقتی که یک حرکتی برای این مقصود به وجود آمده است که وابستگی را و عقب ماندگی را از این ملت بزدايد - و موفق هم شده است، پیشرفت هم کرده است - آن کسانی که عقب ماندگی و وابستگی به نفع آنها بود، در مقابل این حرکت، این انقلاب، و این نظام می ایستند؛ این طبیعی است. این [طور] نیست که ما دشمن درست میکنیم؛ بعضی ها تکیه کلامشان این است که آقا دائم دشمن نتراشید! دشمن را حرکت ملت میترشد. فرض کنید یک قلدری آمده است خانه ی شما را، دکان شما را، محل استراحت شما را، زندگی شما را غصب کرده است؛ وقتی شما آمدید او را بیرون کردید، خب شما حقتان را انجام داده اید، حقتان را گرفته اید اما او با شما دشمنی میکند. تا وقتی که امید داشته باشد که بتواند بر شما غلبه پیدا کند، به شما ضربه میزند. ما با کسی دشمنی جدیدی ایجاد نکرده ایم؛ اینها دشمنی میکنند. آن کسانی که از وابستگی ایران به خودشان بهره میبردند، امروز با ما دشمنند؛ دشمن خونی! آن کسانی که از عقب ماندگی ملت ایران منتفع میشدند، امروز با ما دشمنند؛

اهداف دشمنان نظام اسلامی چیست؟

1- از بین بردن عزت

اولین دشمنی بزرگی که قدرتهای استکباری و استبدادی با یک ملت می کنند، این است که او را ذلیل می کنند؛ عزت او را از او می گیرند. ۰۱/۱۳۷۷/۰۱

2- تجزیه کشورهای منطقه

یکی از تصمیم‌هایشان تجزیه‌ی کشورهای منطقه است. این چیزی که عرض می‌کنم، تحلیل نیست، حدس نیست؛ اینها اطلاعات است. می‌گویند دوران یک عراق، یک سوریه، یک یمن، یک لیبی گذشته؛ یعنی عراق تجزیه بشود، سوریه تجزیه بشود، لیبی تجزیه بشود، یمن تجزیه بشود؛ اسم ایران را نمی‌آورند، چون جرئت نمی‌کنند، می‌ترسند. از افکار عمومی ایران بشدت می‌ترسند و آلا همان حرفی را که محمدرضا قبل از رفتن گفت که «اگر ما برویم، ایران میشود ایرانستان» - منظورش این بود که مثل افغانستان، مثل ترکمنستان، مثل مانند اینها، اینجا هم یک قسمتی به نام ایرانستان میماند، بقیه هم تقسیم میشود بین دولتهای متفرق - اینها [هم] می‌خواهند همان حرف را بزنند؛ در این امید بودند، تلاششان را هم کردند، توی دهنشان هم خورد لکن در ذهنشان هنوز هست؛ [اما] به زبان نمی‌آورند.

ببینید دشمن به کجاها کار دارد؛ فقط مسئله‌ی اقتصاد نیست، فقط مسئله‌ی فرهنگ نیست، فقط مسئله‌ی باورهای انقلابی و دینی نیست، حتی به انتخاباتش [کار دارد]؛ نمی‌خواهند این ظاهره و پدیده‌ی شرکت مردم به نام دین، در پای صندوق رأی و در خدمت انتخاب تثبیت بشود

3- هجمه به روحانیت

امروز یکی از مسائلی که دشمن بخصوص در محیط دانشگاه دنبال می‌کند، تهاجم علیه نظام . روحانیت در کشور ماست

4- از بین بردن توانایی های اقتصادی

اگر غرب و امریکا و دشمنان ما و منافقین و دیگران و دیگران بتوانند کارخانه‌های ما را از کار بیندازند، ضربه‌ی حسابی زده‌اند و امروز تلاش می‌کنند که این ضربه را بزنند. ۱۳۷۲/۰۲/۱۵

5- ایجاد یاس

یأس، بزرگترین دشمن یک ملت است. باید تلاش گردد که یأس از مردم زدوده شود

6- از بین بردن انگیزه

دشمن می‌خواهد جوانهای کشور ما بی‌انگیزه باشند، بی‌ایمان باشند، بی‌امید باشند، اسیر شهوات باشند، تنبل باشند، بی‌کاره باشند، نق بزنند، کار نکنند، دچار اعتیاد باشند، شکننده باشند؛ جوانهای کشور را این جور می‌خواهند. هدف کارهایی که دارند روی جوانهای ما انجام می‌دهند اینها است؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که ما لازم داریم

7- از بین بردن ایمان

دشمن دنبال این است که این عوامل اقتدار ملی را -که بنده عرض کردم- از بین ببرد؛ هدف دشمن این است. ایمان را از بین ببرد، حیا و عفاف را از بین ببرد، پابندی به مبانی دینی را از بین ببرد، اعتقاد راسخ به حاکمیت دین را از بین ببرد، عزت ملی را مخدوش کند، حرکت علمی را متوقف کند، دستگاه‌ها و مجموعه‌هایی که مظهر اقتدار کشور و اقتدار ملتند، اینها را تضعیف کند. شما می‌بینید به سپاه حمله می‌شود، به بسیج حمله می‌شود، به شورای نگهبان حمله می‌شود

8- جنگهای نیابتی

امروز سیاستهای خباثت‌آلود استکبار در منطقه‌ی ما ایجاد جنگهای نیابتی است؛ برای منافع خودشان، کشورهای منطقه را یا گروه‌هایی در داخل کشورها را تحریک کنند و وادار کنند که به جان هم بیفتند و آنها منافع خودشان را دنبال کنند؛ جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی را پر کنند، سیاستهای اقتصادی اقتصاد نزدیک به ورشکستگی خودشان را ترمیم کنند؛ هدف آنها این است؛ ما باید بیدار باشیم.

9- بزرگ کردن نقاط ضعف

امروز بیشترین تلاش دشمن متمرکز بر خلق نقطه‌ی ضعف یا بزرگنمایی آن است تا مردم را از دل‌بستگی و پیوندی که با نظام اسلامی دارند، منقطع نماید

10- تشیع و تسنن انگلیسی

آن تشیعی که ارتباط به آمایشش انگلیس داشته باشد، آن تسنی که مزدور سیایای آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنی است؛ هر دو ضد اسلامند

در میان امت اسلامی کسانی هستند که برای مقابله‌ی با برادران مسلمان خودشان با دشمنان اسلام دست‌به‌دست می‌دهند؛ امروز ما این را داریم؛ به شیطان نزدیک میشوند برای اینکه با برادران مسلمان خودشان بجنگند و مبارزه کنند و مقابله کنند؛ امروز کسانی هستند که حاضرند با رژیم صهیونیستی همکاری کنند، برای اینکه برادر مسلمان خودشان را به خاک بیندازند

11-تطهیر پهلوی

کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله میبند که دشمنان چهکار دارند میکنند؛ امروز اینها سعی میکنند چهرهی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را بزک کنند، آرایش کنند ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

بزرگترین گرفتاری و خطر دنیای اسلام ؟

بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای اسلام این است که متوجه توطئه و دست خبیث دشمنان خود نیست؛ اینیکی از بزرگ‌ترین یا بزرگ‌ترین گرفتاری دنیای اسلام است. ۱۳۹۳/۰۳/۱۳

افسران جبهه جنگ نرم در مقابل دشمنان چه کسانی هستند؟

افسری را با یک هویتی که مطلوب جمهوری اسلامی است و افسری را با هویتی که مطلوب دشمن جمهوری اسلامی است؛ اینها را با هم مقایسه کنید، ببینید چه جوری درمی‌آید؛ حالا محل بحث ما جنگ نرم است که خطرناک‌تر از جنگ سخت است؛ گاهی اوقات ما را به جنگ سخت و بمباران و

حمله و مانند این چیزها هم تهدید میکنند اما غلط زیادی میکنند؛ [این] نیست، زمینه‌ی این کار را ندارند، جرئتش را هم ندارند و [اگر] هم بکنند تودهنی میخورند

اما جنگ نرم چرا؛ جنگ نرم همین الان برقرار است، طرف مقابل مشغول حمله است؛ ما هم از این طرف مشغولیم؛ حالا ما مشغول حمله‌ایم یا مشغول دفاعیم، آن [یک] بحث دیگری است که عقیده‌ی من این است که این طرف هم به جای دفاع باید حمله کند، ضمن اینکه مراکز دفاعی خودش را هم باید حفظ کند. پس یک جنگی وجود دارد؛ حالا شما این جنگ نرم را تشبیه کنید به جنگ سخت و جبهه‌ی جنگ؛ مثل همان [وضعی] که الان فرض کنید که در سوریه یا عراق یا یمن یا هر جای دیگر هست؛ این جنگهایی که الان هست یا در دوران دفاع مقدس، هشت سال در ایران بود. افسری را در نظر بگیرید که در قرارگاه خودش یا در سنگر خودش نشسته؛ این افسر دو جور میتواند باشد؛ دو نوع هویت یا دو نوع تعریف برای این افسر وجود دارد: یک وقت این افسر در هیئت یک انسان مصمم، هوشیار، پُرانگیزه، امیدوار، پُرکار، دارای اندیشه، اندیشه‌ورز، شجاع و فداکار است. خب اگر چنانچه افسری در قرارگاه خود یا در سنگر خود با این خصوصیات باشد، میتوان یک نتیجه‌ای را برای این جنگ حدس زد. افسر شجاع است، رشید است، با فکر است، باایمان است، باامید است، تصمیم دارد، انگیزه دارد؛ این یک جور افسر است. همین افسر را میشود با یک شاکله‌ی دیگری و با یک هویت دیگری فرض کرد. فرض کنید آدمی است ناامید؛ یعنی معتقد است که [جنگیدن] فایده‌ای ندارد؛ [میگوید] بیخود ایستاده‌اید، فایده‌ای ندارد؛ ناامید است. یا آدمی است تسلیم‌پذیر، حال معارضة کردن و ایستادگی کردن ندارد؛ حالا یک مقداری ممکن است بایستد ولی وقتی فشار زیاد شد و زور زیاد شد تسلیم میشود؛ روحیه‌اش این است. یا آدمی است فریب‌خور؛ به لبخند دشمن اعتماد میکند، به فریب دشمن اعتماد میکند یا اصلاً فریب دشمن را نمیفهمد. خب جنگ پُر از فریب و پُر از خدعه است؛ همه‌ی جنگها همین جور است: الْحَرْبُ خُدْعَةٌ. (۱) در همین جنگهای سخت، یکی از کارهای اساسی، که یک فرمانده مقتدر میتواند انجام بدهد، این است که با یک عملیاتی و با یک حرکتی

دشمن را فریب بدهد؛ دشمن خیال کند از آنجا می‌خواهد حرکت کند و حواسش به آنجا پرت بشود، بعد از پشت حرکت کند. حالا فرض کنید این افسر، افسری است فریب‌خور؛ نمی‌فهمد معنای فریب دشمن را و تشخیص نمیدهد. یا یک آدمی است اصلاً بی‌حال؛ دلش می‌خواهد بگیرد استراحت کند و بخوابد. یا معتاد است؛ یا معتاد به مواد مخدر، یا معتاد به شهوت‌رانی، یا معتاد به بعضی از این بازی‌های کامپیوتری که اخیراً باب شده - شنیده‌ام بعضی‌ها به این اعتیاد پیدا میکنند - و بی‌فکر و بی‌اعتنا به سرنوشت خود و دیگرانی که به او چشم دوخته‌اند. یا سرگرم غرایز [است]؛ مثلاً همین آقای افسر، در سنگر به فکر اشباع غرایز مادی خود و غرایز حیوانی خودش باشد؛ سرگرم عیش و نوش. پس این افسر را در این شکل و در این هیئت و در این شاکله هم میشود تصور کرد. نتیجه‌ی جنگ چیست؟ معلوم است دیگر. پس هویت افسران جنگ نرم دو جور میتواند تعریف بشود

تندرو و میانه رو یعنی چی؟

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَ سَطًا. (۱) ما شما را امتی میانه قرار دادیم... اَمَّا «وسط» در اسلام چیست؟ در مقابل تندرو است؟ نه، «وسط» در مقابل منحرف است: اَلْيَمِينُ وَ الشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوُسْطٰی هِيَ الْجَادَّةُ؛ (۲) این نهج‌البلاغه است. راه میانه یعنی راه مستقیم، راه جاده. اگر از این راه مستقیم منحرف شدید - چه به این طرف و چه به آن طرف - این غیر میانه است. پس در مقابل میانه‌رو تندرو نیست؛ در مقابل میانه‌رو منحرف است. آن کسی میانه‌رو نیست که منحرف از راه و منحرف از جاده است؛ اما در جاده، بعضی‌ها تندتر می‌روند و بعضی‌ها کندتر می‌روند. تند رفتن در صراط مستقیم چیز بدی نیست؛ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ؛ (۳) جلوتر بروید. آنهایی که امروز در بیرون از مرزهای کشور می‌گویند تندرو، مقصودی دارند و معنایی مورد نظرشان است. دوستان ما و برادران ما در داخل مراقب باشند آنچه مقصود او است تکرار نکنند. آنهایی که می‌گویند تندرو، منظورشان کسانی است که در راه

انقلاب مصمّم تر و پایدارترند؛ حزب اللّهی ها را میگویند تندرو. میانه‌رو [هم] کسی است که در مقابل آنها تسلیم باشد. در ادبیّات سیاسی آمریکا و انگلیس و امثال اینها،